

# آموزش فا در شهر لس آنجلس

(بخش پرسش و پاسخ، قسمت سوم و پایانی)

لی هنگجی، ۲۵ فوریه ۲۰۰۶

مرید می پرسد: وقتی شخصی آرزو می کند پول بیشتری در آورد یا در شغلی عادی ترفیع بگیرد، او می تواند آنچه را می خواهد با بخوبی انجام دادن کار بدست آورد. آیا در یک فروشگاه رسانه ای یا شرکتی که توسط مریدان دافا اداره می شود نیز شخص می تواند مقام یا درآمدی را که می خواهد، از طریق سخت کوشی بدست آورد؟

**معلم:** در جامعه وقتی کارتان را به خوبی انجام می دهید، بطور طبیعی ترفیع خواهید گرفت. و وقتی رئیس شما خوشحال باشد ممکن است به شما پاداش بهتری بدهد. اما فروشگاه های رسانه ای که توسط مریدان دافا اداره می شوند سود کافی نمی سازند، و در این خصوص، باید به جایی که فروشگاه های رسانه ای بزرگ در جامعه رسیده اند دست یابند. از آنجا که نمی تواند عملی شود، آیا افکاری مثل آنچه مطرح کردید پوچ نیستند؟ در مورد اینکه چگونه موقعیت دلخواه را بدست آورد، اگر شخصی در مورد این گونه چیزها زیاده از حد فکر کند، به احتمال زیاد چیزی درست نیست و به نظر می رسد بیش از فقط یک میل و وابستگی عادی است. مریدان دافا مشغول انجام دادن کارها بطور داوطلبانه بوده اند. فکر نمی کنم مشکلاتی مثل اینکه شخصی پُست و سِمَت معینی را خواستار باشد شنیده باشم. (استاد می خندد) (حضور می خندند) خواستار پُست و سِمَتی بودن چیزی نیست که مریدان دافا باید در ذهن شان داشته باشند، مگر نه؟ و فکر کردن در مورد این که چگونه آن را بدست آورد حتی مسئله سازتر است، مگر نه؟ مریدان دافا به منظور اعتباربخشی به فا، آشکارسازی

حقیقت و نجات موجودات ذی‌شعور، در حال اداره کردن فروشگاه‌های رسانه‌ای بوده‌اند، و بدون چشم‌داشت یا درخواست چیزی در حال انجام آن بوده‌اند. هیچ‌کسی درباره‌ی پُست و مقام فکر نمی‌کند، مگر نه؟ البته، اگر فروشگاه‌های رسانه‌ای واقعاً به‌خوبی اداره شوند و بتوانند حقوقی بپردازند و حتی پاداش یا مزایای دیگری بدهند، آن‌وقت برای شما خوشحال خواهم شد. مقدمه‌اش این است که باید در ابتدا امکانات انجام آن را داشته باشیم.

مرید می‌پرسد: با داشتن تماس و ارتباط بیشتر با تمرین‌کنندگان غربی و تایوانی، واقعاً احساس می‌کنم که شاگردان چینی که در فرهنگ حزب اهریمنی بزرگ شده‌اند خیلی فاسد شده‌اند. از عادت‌های فکری گرفته تا آنچه می‌گوئیم و آنطور که رفتار می‌کنیم، بسیاری چیزها هست که باید عمیقاً در خودمان جستجو کنیم و آنها را حل کنیم.

**معلم:** در ابتدا وقتی افراد از چین به غرب می‌آیند، به غرب انتقاد می‌کنند، می‌گویند این چیز یا آن چیز بد است یا اینکه چرا این چیز یا آن چیز خوب به‌نظر نمی‌رسد. چرا این‌طور است؟ در واقع بخاطر این است که آنها عادت گرفته با تمام چیزهای ح‌کچ پلید رشد کرده‌اند. فقط بعد از مدتی آنها متوجه می‌شوند که آن چیزهای حزب پلید، بد و کریه هستند. این نتیجه‌ی قرار گرفتن آن‌ها در تلقین فرهنگ حزب به‌مدت طولانی است. اما روش زندگی در خارج از حزب پلید، روش طبیعی زندگی برای انسان است -- هیچ‌کسی شما را مجبور به چیزی نمی‌کند. به همین خاطر است که آنهایی که برای مدتی طولانی در خارج زندگی کرده‌اند وقتی به سرزمین چین برمی‌گردند، درمی‌یابند آن‌طور که مردم در چین حرف می‌زنند تعجب‌آور است. می‌بینند که هر جمله‌ی آنها پر از عقاید خشک حزبی است. به خاطر اینکه فرهنگ پلید حزب زندگی مردم را عمیقاً آشباع کرده است، حتی، به هر ذره تفکرشان نفوذ کرده، و این باعث این شده است که رفتار، وضع حرکت، صحبت و حتی حالت‌های بیان و صورت و نگاه‌شان با فرهنگ حزب پلید، تنیده و آلوده شده باشد (خضار می‌خندند) البته این چیزها کلیدی نیستند. تا جایی که افکار درست مریدان دافا

قوی باشد و آنها بدانند که چه چیزی درست و غلط است، آن عادت‌ها به تدریج می‌توانند از بین برده شوند. این چیزها اساسی نیستند.

مرید می‌پرسد: در دوره‌ی ترکیه شخصی، وقتی که از امتحان کارمای بیماری گذر می‌کردم، می‌دانستم آن برای از بین بردن کارمای من بود و از طریق تحمل کردن و استوار بودن در فا می‌توانستم این امتحان را از سر بگذرانم، و در پایان استاد کارما را بر می‌داشت. اما در دوره‌ی تزکیه‌ی اصلاح-فا، اگر نیروهای کهن، یاوران تاریک آنها، شیاطین فاسد، روح اهریمنی حزب پلید، بدن فیزیکی مرا شکنجه و آزار دهند، و همان‌طور بصورت کارمای بیماری ظاهر شود، آن‌وقت بخاطر اینکه ما نباید شکنجه و آزار نیروهای کهن را قبول کنیم و نباید فقط آن را تحمل کنیم، آیا با محکم و استوار بودن در فا و با فرستادن افکار درست برای رد کردن شکنجه و آزار، می‌توانیم عوامل پلید پشت آن را از بین ببریم؟

**معلم:** وقتی شما افکار درست قوی دارید، هیچ چیز نمی‌تواند مانع شما شود و از روزی که مرید دافا تزکیه را برمی‌گزیند تمام زندگی‌اش دوباره نظم و ترتیب داده می‌شود. به کلامی دیگر، این زندگی شما، حالا، حیات یک تزکیه کننده است. دیگر هیچ چیزی اتفاقی نیست، و هر آنچه رخ خواهد داد اتفاقی نیست. هر چیزی در سفر زندگی‌تان مستقیماً به رشد و بهبود و تزکیه‌تان مربوط می‌شود. بعد از آنکه ترتیبات ساخته شوند، هیچ کسی نمی‌تواند آنها را تغییر دهد. تغییر دادن آنها نقض کردن قوانین آسمان خواهد بود. تنها استاد می‌تواند آنها را تغییر دهد. اما نیروهای کهن-- برای از بین بردن تمامی این چیزها-- و موجودات عالم کهن که توسط اصلاح-فا تحت تأثیر قرار گرفته‌اند، به نام همراهی و همیاری کردن در اصلاح-فا در آن شرکت کرده‌اند، و این آن چیزی است که دیوارها و جداسازی‌های عظیمی را به بار آورده است. هر چند بدن‌های قانون من می‌توانند چیزها را تغییر دهند، اما راه‌های تزکیه‌ی مریدان دافا با جزئیات زیادی نظم و ترتیب داده شده‌اند، و اگر برای مرید دافا یک تغییر کوچک صورت داده شود، امور باید کاملاً دوباره انجام داده شوند. درحالی که نیروی عظیم اصلاح-فا به پیش می‌رود، همان‌طور که مریدان دافا هم‌زمان بطور

جداگانه در حال تغییر کردن هستند این تعهد عظیم آشکار می‌شود. به علاوه، ۹۹٪ تمامی کیهان، اصلاح- فا را از سر گذرانده است، و مریدان دافای دوره‌ی اصلاح- فا هم اکنون در حال گذر کردن آخرین قدم سفرشان هستند. بنابراین نمی‌توانید آن بخشی که هم اکنون اصلاح- فا را گذرانده است دوباره از اول برگردانید تا فقط برای یک موجود تغییراتی ایجاد کنید. این دلیل آن است که چرا وقتی بسیاری از مریدان دافا در تزکیه‌شان به خوبی عمل نمی‌کنند، وقتی مشکلات معینی که آنها را درگیر می‌کند سر بر می‌آورند، یا وقتی همان‌طور که امتحان‌هایی را می‌گذرانند چیزها به نظر می‌رسد بسیار جدی و مهم می‌شوند، در آن مواقع اگر بخواهید که استاد مستقیماً از آن چیزها برای شما مراقبت کند، استاد مجبور می‌شود از ابتدا هر چیزی در کیهان‌های جدید و کهن که به شما مربوط است را دوباره انجام دهد. تمام چیزهایی که در این سال‌ها از میان اصلاح- فا گذر کرده‌اند می‌بایست تغییر داده شوند، زمان می‌بایست به عقب برگردانده شود... همه چیز باید از ابتدا دوباره انجام شود. این قدر مسائل عظیم هستند. این روشن می‌کند که چرا به شما می‌گویم واقعاً نمی‌توانم چیزها [در این وضعیت] را تغییر دهم. تا هر سطحی که تزکیه کنید، سطح شما خواهد بود، و اگر در پایان معلوم شود که شما نمی‌توانید جلوتر روید، آن وضعیت حکایت از مداخله‌ی عوامل نیروهای کهن می‌کند. در واقع، وقتی به نظر می‌رسد که کسی نمی‌تواند در امتحانی موفق شود، آن به عوامل مختلفی مربوط می‌شود. زمانی که ما واقعاً کسی را داریم که پیش از موقع درمی‌گذرد، تاجایی که او مرید دافایی بوده که همه‌ی سه کار را انجام می‌داده، او قطعاً به کمال دست می‌یابد. فقط این‌طور است که سطح او متفاوت خواهد بود.

همچنین، اگر من شخصاً کارها را برای شما انجام می‌دادم، اهریمن از آن امر بهره‌برداری می‌کرد و کیهان جدید هم حتی آلوده می‌شد. اصلاح- فا کاملاً مهم و جدی است. در ابتدا وقتی تزکیه را برگزیدید در آن زمان استاد برای شما هر آنچه را که می‌بایست انجام داده شود انجام داد. اکنون با شماست که از طریق افکار درست با امتحانات مقابله کنید. استاد می‌تواند به شما کمک کند وقتی افکار درست شما به اندازه‌ی کافی باشد. اما وقتی افکار درست شما کمبود داشته باشد و نتوانید مطابق با

استاندارد باشید، اگر می‌شد که استاد کاری را انجام دهد، اموری به آن اهمیت که اکنون توضیح دادم شامل می‌شد. بنابراین، یک‌بار که مسیر تزکیه‌ی یک مرید دافا ترتیب داده شود، اصولاً هیچ کسی نمی‌تواند همین‌طوری نسنجیده آن را تغییر دهد، و هیچ کسی -- خوب یا بد -- نمی‌تواند کاری نسبت به شما انجام دهد. حتی وقتی شخصی بخواهد چیزی ویژه و خوب به شما بدهد، او قادر نیست آن را وارد کند. و اگر فردی بخواهد چیزی خاص را که بخشی از آنچه در ابتدا در تزکیه‌تان داشتید نبود به شما بدهد یا اگر کسی بخواهد زیاده‌روی کند و شما را آزار و شکنجه دهد، آنها قادر نخواهند بود. استثناء فقط وقتی رخ می‌دهد که شما، خودتان، ضعیف و بد عمل می‌کنید. آیا آنچه را که گفته‌ام درک می‌کنید؟ (تسویق)

قبلاً بسیاری از شاگردان دیدند که وقتی من برای مردم عادی شفادرمانی کردم، نیازی نداشتم که حتی یک انگشتم را بلند کنم. فقط به شخص نگاه می‌کردم و او معالجه می‌شد. وقتی به او نگاه می‌کردم در حال ساطع کردن چیزهای معینی بودم؛ می‌توانستم از هر جای بدنم قدرت‌های فوق‌طبیعی را ساطع کنم. مریضی او با آن چیزهایی که ساطع می‌کردم، در آنجا بلافاصله درمان می‌شد. انسان‌ها هرچه باشد انسان هستند، بنابراین بعضی مواقع شخص در شگفت می‌ماند، که "اگر حتی یک انگشت را هم تکان ندادی مگر می‌شود که من درمان شوم؟" به همین دلیل اغلب دستانم را بکار می‌بردم. در بیشتر مواقع بیماری بلافاصله معالجه شد، بدون توجه به این که چه بود. من می‌توانم هر مرضی را که یک فرد عادی ممکن است داشته باشد درمان کنم؛ تمام آنها را می‌توانم درمان کنم. اما مریدان دافا قضیه‌ی متفاوتی هستند. البته، این را که گفته‌ام حالا نباید یک فرد عادی را به اینجا بیاورید، زیرا من شفادرمانی را انجام نخواهم داد. برای مریدان دافا رسیدن به جایی که الان در تزکیه‌شان هستند آسان نبوده است، بنابراین نمی‌خواهم مشکل اضافی و مزاحمت و مداخله‌ای به همراه آید. چراکه شفای یک فرد عادی تمامیت حیات او را دربرمی‌گیرد و مستلزم توازن روابط کارمایی که در بُعدهای مختلف دارد است -- فقط آن وقت است که می‌تواند شفا داده شود -- تمامی بدهی‌های او باید بطور نیک‌خواهانه‌ای حل و فصل شوند، و موجوداتی که می‌خواهند قرض‌های‌شان را جمع‌آوری کنند باید

بعضی چیزهای خوب بدست بیاورند. فقط آن وقت است که از ناخوشی مراقبت به عمل آورده می‌شود. در این زمان استاد نمی‌خواهد چنین کارهایی را انجام دهد. این دلیل آن است که چرا اساساً [در آن محدوده‌ها] برای افراد کاری انجام نمی‌دهم، و این به خاطر این است که از مشکلات اضافی برای مریدان دافا در تزکیه‌شان جلوگیری شود. اگر چیزی به خوبی کنترل نشده بود بلافاصله به مشکل منتج می‌شد، و آن مشکلات اضافه شده به منزله‌ی مداخله و مزاحمت می‌بود. اساساً وضعیت این است.

مرید می‌پرسد: وقتی بعضی از مریدان دافا توسط افراد بدخواه و ارواح پلید از بُعدهای دیگر به شدت تحت شکنجه و آزار بودند، به بیمارستان رفته و برای رسیدگی کردن به آن از وسایل مردم عادی استفاده کردند، یا برای کم کردن درد و رنج‌شان تزریقات دریافت کرده یا دارو مصرف کردند. آیا آن باعث صدمه به بدن تزکیه‌کننده می‌شود؟ آیا هنوز می‌توانند تزکیه کنند؟ قبل از آنکه کسی از شکنجه و آزار پلید بدنش رهایی یابد، آیا او می‌تواند از وسایل عادی استفاده کند؟

**معلم:** آنچه برای یک تزکیه‌کننده مهم است افکار درست است. وقتی که افکار درست قوی دارید، قادرید در برابر هر چیزی مقاومت کنید و هر کاری بکنید. زیرا شما یک تزکیه‌کننده هستید: کسی که در یک راه خدایی است و کسی است که توسط عوامل مردم عادی یا اصول سطح پایین کنترل نمی‌شود. (تشویق)

پیش‌تر به شما گفتم که من اسم تک تک مریدان دافا را از لیست جهنم پاک کردم. هر فرد عادی در آن بایگانی نام‌گذاری می‌شود. من اسامی مریدان دافا را از دفتر بایگانی جهنم برداشته‌ام. من اسامی آنها را از جهنم پاک کردم. بنابراین اسامی شما آنجا نیست. به کلامی دیگر شما از هیچ جنبه‌ای، موجودی از سه قلمرو نیستید، و شما دیگر افراد عادی نیستید. این دلیل آن است که چرا وقتی افکار درست‌تان قوی است می‌توانید هر مشکلی را حل کنید. کارمای بیماری که در بدن‌تان ظاهر می‌شود به عنوان یک امتحان تجلی می‌کند. البته به نظر می‌رسد که کارمای بیماری باشد، چراکه آن قطعاً ظاهر یک خدا که مریض شده باشد را ندارد. بنابراین باید آن را با

افکار درست اداره کنید. شما یک تزکیه‌کننده هستید، پس درحقیقت قطعاً بیماری نیست. اما به این سادگی واضح نخواهد بود. آیا می‌دانید نیروهای کهن چه فکری می‌کنند، آنها فکر می‌کنند، "عجب، تو، معلم‌شان، فای مربوط به کارمای بیماری را به روشنی توضیح داده‌ای." بله، حقیقت دارد که قبلاً وقتی با شاگردانی مواجه بودم که برای‌شان مشکل بود امتحانات کارمای بیماری را از سر بگذرانند، این چیزها را بسیار روشن توضیح دادم، و شاگردان امروز حاضر در اینجا آن را می‌دانند. اما فرق نمی‌کند چه مقدار اصول فا به روشنی شرح داده شود، تزکیه را آسان‌تر نمی‌سازد، و حتی ممکن است [ملزومات] سخت‌تر شوند. برای مثال، یک نمود این است که به اندازه‌ی کافی خوب نخواهد بود اگر کسی صرفاً چیزی را متوجه شود: او باید در هر دو جنبه‌ی فکر و عمل درست باشد. اگر افکار درست یک نفر در زمان تزکیه‌اش قوی نباشد، قادر نخواهد بود امتحاناتش را به‌خوبی بگذراند و آن‌ها طولانی می‌شوند. همچنین، وقتی او قادر به دست یافتن به افکار درست قوی نباشد، اعتماد به نفس‌اش ضعیف می‌شود. آیا بعضی افراد اعتماد به نفس‌شان را از دست نداده‌اند و حتی در نتیجه‌ی آن به "درک و تشخیص‌های" عوضی نرسیدند؟ بعضی اوقات فقط درباره‌ی این فکر می‌کنید که می‌خواهید معلم فا را با صراحت بیش‌تر شرح دهد اما آن جانشین تزکیه نیست اگر شاگردی هنوز کمبود ایمان استوار به اصول فا داشته باشد. البته، از طرف دیگر، مریدان دافایی که افکار درست قوی دارند و ایمان‌شان حتی قوی‌تر می‌شود بعد از آنکه اصول فا را درک کنند بر هر امتحان و سختی غلبه خواهند کرد.

برعکس، وقتی کسی که شاگرد جدید است یا کسی که خودش متوجه می‌شود به اندازه‌ی کافی کوشا نبوده است مریض می‌شود و به بیمارستان می‌رود، خوب بگذارید باشد-- [فکر کنم] ما فقط آن را بخشی از روند تزکیه‌اش به حساب می‌آوریم. وقتی بعداً بهتر تزکیه کند، به‌تدریج متوجه می‌شود که چه باید بکند. تزکیه روندی را در بر دارد، و بالاخره باید به افراد فرصت‌هایی بدهیم. البته، احتیاجی نیست که در اینجا درباره‌ی افرادی که کوشا هستند حرفی بزنیم. برای افرادی که در ذهن‌شان مطمئن نیستند: اگر شما [به بیمارستان] بروید استاد نمی‌تواند چیزی بگوید. اگر شخص در تزکیه هر قدم را به خوبی برداشته است، توسط همه تحسین می‌شود. خدایان او را

تحسین خواهند کرد، و استاد او را بسیار محترم می‌دارد. اگر شاگردی مستقیماً تا کمال، بدون توقف پرش‌های خیلی بلند بکند (همه می‌خندند)، و هرگز نیفتد، حتی یک‌بار (همه می‌خندند)، آن وقت به شما می‌گوییم، او ممکن است به خوبی یک خدا باشد. (همه می‌خندند) یا، شاید استاد امور را برای او به خوبی برنامه‌ریزی نکرده است، و امتحانات او بسیار کوچک بوده‌اند، چراکه او می‌تواند همه‌ی آنها را از سر بگذراند. بنابراین، معمولاً تا آنجاکه شخص خود را بهبود می‌بخشد و رشد می‌دهد امتحانات مقرر شده می‌توانند با موفقیت گذارنده شوند؛ اگر خودتان رشد نکنید، نمی‌توانید از عهده‌ی آنها برآیید. اساساً این‌گونه است. اگر کسی اشتباهی کند، فقط می‌تواند حالت و وضعیتی از تزکیه در نظر گرفته شود، و نمی‌توان گفت که آن شخص دیگر به اندازه‌ی کافی خوب نیست و نه آنکه می‌شود گفت که او همیشه در آن حالت و وضعیت خواهد ماند. آن صرفاً یک حالت در آن روند است. اگر شخصی در آن زمان واقعاً افکار درست قوی کافی ندارد و واقعاً نمی‌تواند چیزی را دیگر تحمل کند، چه کار باید بکند؟ آن وقت به پیش بروید. (همه می‌خندند) بله (معلم بی‌صدا می‌خندد) پس به بیمارستان بروید.

اصولاً این‌گونه است. اما یک موجود خدایی چگونه می‌تواند کمک درمانی مردم عادی را بگیرد؟ و افراد عادی چطور می‌توانند بیماری یک موجود الهی را شفا بخشند؟ (تسویقی) (معلم می‌خندد) این‌ها اصول فاهستند. اما اغلب مواقع این‌طور است که شما واقعاً این‌گونه روبرو نمی‌شوید که گویی تمام افکار درست را به همراه دارید. وقتی که نمی‌توانید خود را به خوبی اداره کنید، پس به پیش بروید. اگر ذهن شما پایدار نیست، به این معناست که از ابتدا استاندارد را برآورده نمی‌کنید، و طولانی کردن روند به هیچ تغییری ختم نمی‌شود. اگر شخصی فقط برای حفظ آبرو مقاومت کند، آن اضافه کردن وابستگی بر روی وابستگی‌ها است. در این گونه موارد فقط دو حق انتخاب وجود دارد: یا اینکه به بیمارستان بروید و بنابراین از سعی کردن برای غلبه بر امتحان دست می‌کشید، یا کاملاً همه چیز را رها می‌کنید، و مثل مرید دافایی والا و شریف رفتار می‌کنید، کسی که هیچ رنجش یا وابستگی ندارد، و آن را به معلم

واگذارید که ترتیب دهد که بمانید یا بروید. هرگاه قادر باشید این گونه عمل کنید، یک خدا هستید.

مرید می پرسد: فعالیت های آشکارسازی حقیقت در مهنتن به پایان رسیده است و شاگردانی که از مناطق مختلف آمده بودند درحال برگشتن به محل های شان هستند تا به فا اعتبار بخشند. آیا افرادی از ما مریدان دافا که از سرزمین چین آمده ایم، اگر موقعیت مان مناسب است، باید به آنجا برگردیم که در آنجا آشکارسازی حقیقت را انجام دهیم؟

**معلم:** اگر به خاطر آن که در آنجا شکنجه و آزار می شدید چین را ترک کردید، قطعاً نباید به آنجا برگردید. حالا که از آنجا در آمده اید، شما بیرون هستید. پس بمانید و در اینجا آشکارسازی حقیقت کنید. اگر فکر می کنید که اگر برگردید موقعیتتان آنجا نسبتاً راحت تر خواهد بود، آن وقت فرق می کند. در آن صورت می توانید برگردید، مسئله ای نیست. اگر برگشتن برای شما خطرناک است، پس بر نگردید.

مرید می پرسد: از آنجا که هدف جشن سال نو نجات موجودات ذی شعور است، ما باید بلیت ها را مجانی بدهیم و درباره ی پول در آوردن صحبت نکنیم، یا قیمت بلیت ها را پایین بیاوریم. آیا این طرز فکر درست است؟

**معلم:** خیر، صحیح نیست. مریدان دافا، مریدان دافای دوره ی اصلاح- فا هستند. قبلاً وقتی کتاب های دافا را خریدید، من می خواستم آنها را تقریباً مجانی به شما بدهم. اما آن برای تزکیه کنندگان دوره ی اصلاح- فا بود. برای افراد عادی، مجانی گیر آوردن چیزها با اصول این بُعد مطابقت نمی کند. به عنوان مریدان دافا، به هر حال، می توانید چیزی را بطور مجانی به آنها بدهید. آن نیک خواهی مرید دافا است.

اما آیا به این موضوع فکر کرده اید که چقدر فروشگاه های رسانه که توسط مریدان دافا اداره می شوند سخت بوده است. آن عده از شما که درگیر آن نیستید هیچ تصویری ندارید که چقدر سرمایه ی آنها برای ادامه ی چرخاندن فروشگاه های رسانه — ایستگاه تلویزیونی، روزنامه و غیره محدود است. همگی با آگهی سعی کرده اند مانع را برطرف کنند و در گردشی مثبت بیفتند. آن آرزوی من هم هست، و آرزوی تمام

شاگردانی است که به راه‌اندازی رسانه کمک می‌کنند، و آنها برای آن سخت درحال کار کردن و تلاش بوده‌اند. آیا چیز خوبی نمی‌شود اگر آنها با جشن تلویزیون سلسله‌ی تانگ جدید [NTDTV]، سرمایه‌ای فراهم آورند؟ افرادی که در نمایش کریسمس سالن شهر موزیک رادیویی درگیر بودند خوشان گفتند، "نمایش ما به‌خوبی مال شما نیست. برنامه‌های ما نمی‌توانند با [برنامه‌ی] شما رقابت کنند." اما قیمت بلیت آنها بسیار بالا است. آنها در یک ماه نود نمایش برگزار می‌کنند، و آن قدر پول می‌سازند که تمام مخارجشان را برای تمام سال تأمین کند، شامل دستمزدها را. آن وقت چرا تلویزیون سلسله‌ی تانگ جدید نتواند آن کار را بکند؟

اما راجع به قیمت بلیت‌ها، خوب، با در نظر گرفتن کیفیت جشن سال جدید و مقدار تلاش و کاری که مریدان دافا در آن بکار بردند، در واقع قیمت بلیت‌ها واقعاً بالا نیست. این برای همه‌ی بخش‌های آمریکا صدق می‌کند، برای اینکه استاندارد زندگی در قسمت‌های مختلف با هم زیاد فرقی ندارد. موضوع اصلی بازشناسی و به رسمیت شناختن اسم است. بعضی از شاگردان می‌خواستند تعدادی بلیت بخرند و آنها را مجانی رد کنند، با این فکر که، "اگر قیمت بلیت‌ها بالا نبود و کمی ارزان‌تر بود، بیشتر می‌خریدم و به‌عنوان هدیه مجانی می‌دادم. وقتی گران هستند توانایی خریدشان را ندارم، و نه اینکه می‌توانم آنها را مجانی بدهم." می‌توانست مورد این باشد، و این دلیل آن است که چرا بعضی از شاگردان در حال شکایت کردن بوده‌اند. البته، بازهم، بلیت‌های با قیمت‌های متفاوت وجود دارند، و بلیت‌های ارزان‌تری وجود دارد، برای آنکه حق انتخاب محل نشستن متفاوتی وجود دارد. اما با این همه، بر طبق تجربیاتمان از بار آخر یا دو دفعه‌ی قبلی، خوب خواهد بود در دفعه‌ی بعدی قیمت‌های بلیت تعدیل شود. یا می‌توانیم یک نمایش اضافی مخصوص برای مریدان دافا داشته باشیم.

مرید می‌پرسد: ما قصد داریم سریال‌های کوتاه تلویزیونی درباره‌ی اعتباربخشی فای مریدان دافا بسازیم، و داستان صحنه‌هایی در سرزمین چین را در بر دارد. ما چکار باید بکنیم؟

**معلم:** در واقع مشکلات پشت صحنه را به آسانی می‌توان حل کرد. شما می‌دانید، ساختن فیلم یک تکنیک است. اگر به صحنه‌هایی از مکان‌های معینی احتیاج دارید، فقط از کسی بخواهید که بعضی از مناطق را در آنجا فیلم‌برداری کند و برای شما بیاورد.

مرید می‌پرسد: تعداد بسیار زیادی همجنس‌باز در سان فرانسیسکو وجود دارد، و بسیاری از افراد عادی هم از آن پشتیبانی می‌کنند. اهریمن از نوشته‌های معلم کلمات معینی را از متن استخراج کرده که همجنس‌بازی را ذکر کرده است برای آنکه به دافا حمله کند. معلم، لطفاً به ما بگویید که آیا ما باید به آن آشکارا جواب دهیم و در مقیاس زیاد، یا به افرادی که ذهن‌شان مسموم شده است حقایق را آشکار کنیم.

**معلم:** فقط حقایق را برای افراد روشن کنید، و آن به‌اندازه‌ی کافی خوب خواهد بود. لازم نیست که به آن جواب دهید. شما می‌دانید، من یک چیز را خیلی خوب تحت کنترل دارم: وقتی به چیزهایی که در زمانی که فاندنیای بشری را اصلاح می‌کند باید حل شود مربوط می‌شود، من درباره‌ی آنها اکنون کاری نمی‌کنم. خواه آن توسط نیروهای کهن یا اهریمن‌های شیطانی فاسد انجام داده شود، هر کوشش و قصدی برای برهم زدن اموری که بخشی از کارهای جاری نیست، بی‌هوده و پوچ خواهد بود. ممکن است آن‌ها کمی هیاهو و جنجال به‌وجود بیاورند، اما نیازی نیست که به آنها زیاد توجه کنیم. می‌دانم که در حال انجام چه کاری هستیم. اگر کسی چیزی برای گفتن دارد، می‌توانم در مورد موضوعی که مطرح می‌کند فکر کنم. اما کارهایی که می‌خواهم انجام دهم قطعاً مختل نخواهند شد. این، هم درباره‌ی اعتباربخشی به فای امروز من و هم درباره‌ی اصلاح-فا در کل کیهان صادق است. من حاضرم به پیشنهادات همه گوش کنم، اما هنوز هم امور را بر پایه‌ی آنچه می‌خواهم انجام دهم انجام خواهم داد، و هیچ کسی نمی‌تواند آن را تغییر دهد. (تشویق) همین‌طور هم، شما باید بدانید که در حال انجام دادن چه کاری هستید، و وقتی بر انتخاب‌های درست تصمیم گرفته‌اید، نباید توسط هیچ کس و هیچ چیز از هم پاشیده شوید. شما نباید اجازه دهید هر چیزی که اتفاق می‌افتد، همان‌طور که مریدان دافا تزکیه می‌کنند،

آشکارسازی حقیقت می‌کنند، موجودات ذی‌شعور را نجات می‌دهند، و علیه شکنجه و آزار کار می‌کنند با آنچه که برای شما مقدم بر هر چیز است مداخله و مزاحمت ایجاد کند. باید این را به‌خوبی اداره کنید و از عهده‌ی آن به خوبی بر آید! وقتی بعضی اتفاقات در جامعه رخ می‌دهد، حتی اگر چیزی باشد که برای تلاش‌های مریدان دافا برای مقابله با شکنجه و آزار مفید است، مریدان دافا قطعاً نمی‌توانند از تزکیه کردن دست بردارند و فقط بروند بر سر آن مورد کار کنند! تزکیه کردن، تزکیه کردن است.

مرید می‌پرسد: بسیاری داستان‌های شریفانه وجود دارد درباره‌ی اینکه چطور امپراتورهای خوش‌فکر و افرادی در زمان‌های قدیم در برابر انتقاد با حق‌شناسی رو برو بوده‌اند و نه با خشم. وقتی به پذیرفتن انتقاد می‌رسد احساس می‌کنم که واقعاً به اندازه‌ی کافی محکم و استوار تزکیه نکرده‌ام و بعضی اوقات نمی‌توانم با دیگران به‌خوبی ارتباط برقرار کنم زیرا به دفاع کردن از خودم متمرکز و مشغول هستم.

**معلم:** صحبت درباره‌ی دفاع کردن از خود (معلم بی‌صدا می‌خندد)، این مرا یاد چیزی می‌اندازد. کسی به من گفت— و من واقعاً آن را مشاهده کرده‌ام— کسی به من گفت که بین چگونگی اداره کردن مشکلات توسط شاگردان از سرزمین چین و شاگردان تایوانی تفاوتی وجود دارد. اگر یک شاگرد تایوانی کاری را به‌خوبی انجام نداده باشد، اگر آن را با او مطرح کنید به شما گوش خواهد کرد و حالت دفاعی نمی‌گیرد. اما وقتی یک شاگرد چینی کاری را به‌خوبی انجام نداده باشد و دیگران آن را به او گوش زد کنند، او بلافاصله خواهد گفت، "تو نمی‌دانی چه رخ داده است. وضعیت در آن زمان این‌طور و آن‌طور بود." (معلم بی‌صدا می‌خندد) (حضار می‌خندند، کف می‌زنند) او می‌داند که برای یک تزکیه کننده خوب نیست که مستقیماً آنچه که گفته شده است را تکذیب کند. پس سعی می‌کند به‌طور غیرمستقیم و با سردواندن از مسئولیت طفره برود، به‌طور گریزآمیزی از خودش دفاع کند. وقتی مرتکب خطایی شده‌اید، شما مرتکب خطایی شده‌اید. رو راست باشید. اگر کار اشتباهی انجام داده‌اید، شما کار اشتباهی انجام داده‌اید. تنها آنهایی که شهادت این را دارند که اشتباهات خود را قبول کنند توسط دیگران به‌صورت مثبت نگریسته می‌شوند و توسط دیگران

تحسین می‌شوند. حتی خدایان آنها را تحسین می‌کنند. (تشویق) [این را تصور کنید، اگر به انتهای این سفر برسید و خدایان از شما بپرسند، "آیا قبلاً زمانی که دیگران از تو انتقاد می‌کردند همیشه قادر بودی به درستی با آن روبرو شوی؟ به ما نشان بده،" برای نشان دادن هیچ چیزی نخواهید داشت. (حضار می‌خندند) و اگر بگویید، "من هرگز کار اشتباهی انجام ندادم، و هیچ‌کسی هرگز از من انتقاد نکرد،" آیا کسی شما را باور خواهد کرد؟

مگر می‌شود یک انسان اشتباهاتی نکند؟ این انسان‌ها هستند که در حال تزکیه می‌باشند، پس چطور می‌توانند اشتباهاتی نکنند؟ و هیچ‌کسی ندیده است که شما اشتباهات‌تان را قبول کنید. (حضار می‌خندند) آیا شما چشمان‌تان را بر این واقعیت که اشکالی در شما است نمی‌بندید؟ آیا نقصی در تزکیه‌تان ندارید؟ از حالا به بعد همه را مشاهده خواهیم کرد تا ببینیم چه کسی اشتباهاتش را می‌پذیرد. (حضار می‌خندند، تشویق می‌کنند)، به‌هرحال، چه کسی قادر است هرگز اشتباهی نکند؟ و اشتباهات به چه حسابی می‌آیند؟ ما فقط لازم است آن اشتباهات را اصلاح کنیم، مگر نه؟ اصل مطلب، تمایلات و وابستگی‌های شما است. آیا قرار نبوده است شما وابستگی‌های بشری‌تان را تزکیه کنید و دور بریزید؟ اگر شما سعی کنید همیشه طفره بروید، سعی کنید به چیزها ضربه‌ای نخورد، و تمایلی نداشته باشید که از دست آنها رها شوید، آن مشکل عظیمی است.

مرید می‌پرسد: استاد ممکن است درباره‌ی اهمیت و خاص بودن آشکارسازی حقیقت در منطقه‌ی چینی سان فرانسیسکو صحبت کنید؟

**معلم:** شما می‌دانید، آن خیابان در محله‌ی چینی‌ها، تقریباً مغازه‌ها در راستای تمام خیابان، کسب و کارهایی از سرزمین چین هستند، صاحبان آنها از سرزمین چین هستند. حتی اگر در منطقه‌ی خلیج روی هم رفته به‌خوبی عمل کنید، و اگر چه جماعت چینی پخش و پراکنده است و ح‌ک‌چ پلید هیچ شنونده‌ای ندارد، بازهم، آنهایی که در مناطق مختلف زندگی می‌کنند اغلب به محله‌ی چینی‌ها می‌روند، پس آن مکان نباید نادیده گرفته شود. هیچ جایی برای ح‌ک‌چ پلید باقی نگذارید. (تشویق)

فرق نمی‌کند کجا باشد، آن را از بین ببرید. نمی‌توانید به همین سادگی بگذارید آن شیطان پلید به مردم اینجا صدمه و آزار برساند.

مرید می‌پرسد: وقتی به مردم حقیقت را آشکار می‌کنیم، با بسیاری از مردم عادی روبرو می‌شویم که می‌دانند دافا خوب است و با مریدان دافا مهربان هستند، اما تمایلی به کنار کشیدن از حزب ندارند. آیا این افراد آینده‌ای خواهند داشت؟ چکار می‌شود انجام داد؟

**معلم:** هر آنچه فرد می‌خواهد انجام دهد به خود او بستگی دارد. مریدان دافا باید کاری را که باید انجام دهند انجام دهند، و هیچ تأسف و افسوسی را برای خودشان به جای نگذارند.

مرید می‌پرسد: شعبه‌ی محلی / یک تایمز ما مشکلات مالی نسبتاً آشکاری دارد. با این وضعیت، آیا می‌توانیم مشکلات مالی را با جمع‌آوری مالی از جانب مریدانی که در کار رسانه شرکت دارند حل کنیم؟

**معلم:** من هیچ‌وقت کاری مثل این را انجام نداده‌ام. زیرا می‌دانم وقتی فا را در ابتدا آموزش دادم جمع‌آوری پول را مطلقاً ممنوع ساختم، پس از آن، حتی وقتی وضعیت واقعاً سخت بود، همیشه جمع‌آوری مالی از مریدان دافا را رد کردم. واقعیت این است که، هر مرید دافایی در حال استفاده از درآمد خود برای اعتبار بخشیدن به فا بوده است. این برجسته است. و آن از جمع‌آوری کردن نیست، بر عکس، از روی قلب انجام شده است. آن تقوای عظیم است. اگر قرار بود ما روش‌هایی را که در مذاهب بکار گرفته می‌شود استفاده کنیم، همیشه احساس کرده‌ام که به دافا صدمه خواهد زد. و این دلیل آن است که چرا من خودم هرگز آن را انجام نداده‌ام، و انجام آن را به شما هم اجازه نداده‌ام. ما از مردم پول جمع‌آوری نکرده‌ایم. در عوض، شما برای انجام امور پیش‌قدم شده‌اید. اولی منفعلانه است، درحالی که دومی از قلب برمی‌خیزد. مریدان دافا در حال اعتباربخشی به فا بوده‌اند، و تقوای عظیم متعلق به خودشان است. اگر برای انجام دادن امور یک صندوق جمع‌آوری مالی را بدست می‌گرفتیم، تقوای عظیم به مریدان دافا تعلق نمی‌گرفت بلکه به من تعلق می‌داشت. پس بیشترین سعی‌تان را

بکنید که آن را انجام ندهید. اگر واقعاً سختی‌هایی دارید، ممکن است مایل باشید آن را با تعداد کمی از شاگردان که منابع مالی دارند مطرح کنید.

مرید می‌پرسد: وقتی گفتید نیمی از مردم نجات داده می‌شوند، آیا منظورتان نیمی از مردم چین، یا نیمی از جمعیت دنیا بود؟

**معلم:** هیچ چیزی هنوز نتیجه‌گیری نشده است. من این را می‌گفتم که اگر می‌توانستید نیمی از مردم چین را نجات دهید، به‌عنوان معلم شما برای شما بسیار خوشحال می‌شدم و برای موجودات ذی‌شعور دل‌شاد می‌شدم. شما نمی‌توانید ببینید که مردم امروز چین چه شده‌اند. اگر می‌توانستید ببینید، می‌ترسیدید! شما نمی‌توانید ببینید که در چین چیزها چقدر بد شده‌اند. اگر واقعیت محیط در برابر چشمان مردم به نمایش گذاشته می‌شد، وحشت‌انگیز می‌بود. حزب پلید مردم چین را به دیوهای بی‌روح تبدیل کرده است. رفتار مردم بسیار فرومایه و فاسد شده است، و به پایین‌ترین حدی که یک انسان می‌تواند باشد غرق شده است. و علاوه بر آن شکنجه و آزار فالون گونگ است.

مرید می‌پرسد: مایلم به نمایندگی از مریدان دافا در تایلند به معلم والا مقام درود بفرستم. مریدان دافا در پوسان، آلمان، شهر شن‌یانگ، شهر چائویانگ در استان لیائونینگ، شهر چانگ‌شا، و مریدان دافا در استان هونان که بطور غیرقانونی دستگیر و زندانی شده‌اند به معلم نیک‌خواه و شکوهمند درود می‌فرستند!

**معلم:** متشکرم! (تشویق) و یک مرید دافا در سرزمین چین به من درود می‌فرستد. من نام او را اینجا بلند نمی‌خوانم، زیرا لازم است از مریدان دافا حفاظت کنیم.

مرید می‌پرسد: زمانی که ما در ارتباط با توسعه‌ی اینترنت با هم‌تمرین‌کنندگان ژاپنی کار می‌کنیم، همیشه با شاگردانی که در موردی خارج از مسیر رفته‌اند روبرو می‌شویم. ما بر سر این موضوع نظرات متفاوتی داریم، اما فقط تعداد کمی از شاگردان وجود دارند که درباره‌ی تکنولوژی با اطلاع هستند. معلم، لطفاً به ما بگویید آیا ما می‌توانیم در این وضعیت با شاگردان کار کنیم.

**معلم:** اگر آنها در موردی به انحراف رفته‌اند و اشتباهاتی کردند، همین که راه برگشت‌شان را یافته‌اند، این خوب است. آنچه بیشتر نگران‌کننده است آن کسانی هستند که هنوز از روی سرسختی به مسیر اشتباه می‌چسبند. اگر کسی به اشتباهش پی برده است و از زمان بودن با میدان هیچ کار بدی انجام ن داده است، شما می‌توانید بر حسب وضعیت مشخصی تصمیم‌گیری کنید. از معلم نخواهید درباره‌ی این چیزها تصمیم بگیرید.

مرید می‌پرسد: آیا می‌توانیم گاهی اوقات از مردم عادی تا جاییکه آنها علیه دافا نیستند و علیه حزب اهریمنی هستند، دعوت کنیم که در برنامه‌های تفسیری رادیویی ما شرکت کنند؟

**معلم:** می‌تواند انجام شود، فکر نمی‌کنم در آن مورد اشکالی وجود داشته باشد. در مورد برنامه‌های تفسیری مسئله‌ای نیست.

مرید می‌پرسد: همسر من در یک پروژه‌ی تکنیکی وارد بوده است. زمان و انرژی زیادی را در آن گذاشته است. اما فکر می‌کند که هماهنگ کننده با او به‌طور منصفانه‌ای رفتار نکرده است و مایل نیست که با شاگردان در یک پروژه‌ی بزرگ گروهی همکاری کند. در نتیجه، تکنولوژی که او رشد داده است در پروژه‌های اصلاح- فا بکار گرفته نشده است. نگران هستم که او خارج از مسیر برود. معلم، لطفاً راهنمایی رحیمانه‌تان را در این مورد بفرمایید.

**معلم:** این در واقع موضوعی است از رها نکردن وابستگی‌ها و تمایلات و ناتوانی در بیشتر تحمل کردن وقتی که آزمون بزرگ می‌شود. در واقع، می‌توانید [مشکل را در اینجا] ببینید؟ شما در حال حاضر وضعیتی را که یک مرید دافا ترکیه می‌کند ترک کرده‌اید و در شرف ترک کردن فضا و میدانی هستید که شما باید به فا اعتبار ببخشید.

گاهی اوقات وقتی دیگران به یک میل و وابستگی‌تان که مایل نیستید آنها به آن اشاره کنند، ضربه می‌زنند، برای شما واقعاً سخت است. بعضی از افراد فقط نمی‌خواهند به نظرات دیگران گوش کنند. و بعضی از افراد هستند که وقتی

نظرات‌شان مورد استفاده قرار نمی‌گیرد ناراحت و دلخور می‌شوند. تمام اینها تمایلات و وابستگی‌های بشری هستند، وابستگی‌ها و تمایلات بسیار سرسختانه و لجوجانه‌ی بشری. هر وقت چیزی را مطرح می‌کنید، آیا باید پذیرفته شود؟ بعضی از افراد می‌گویند، "من آن را بارها و بارها با صبر و تحمل زیادی گفته‌ام، اما هنوز هم تفاوتی ایجاد نمی‌کند." آیا وضعیت حقیقی و واقعی به همین سادگی که شما فکر می‌کنید است؟ هماهنگی بسیاری از امور باید با تصویر بزرگی در ذهن انجام شود. همچنین، این امکان وجود دارد که آنهایی که شما با آنها همکاری می‌کنید واقعاً به خوبی شما تزکیه نکرده باشند. اما اگر کسی به همان خوبی که شما تزکیه کرده‌اید، تزکیه نکرده باشد، آیا این معنا را در بردارد که او مرید دافا نیست؟ و آنگاه باید امور را هماهنگ نکنید؟ و همچنین، هر فردی افکار خودش را درباره‌ی موضوع خواهد داشت. این امکان وجود دارد که هر چقدر هم ایده‌ای خوب باشد، مورد استفاده قرار نگیرد. آن وقت آیا شما قصد دارید کار کردن روی آن پروژه را متوقف کنید؟ آن افرادی که مسئول پروژه‌ها هستند باید در نظر بگیرند که پیشنهاد با کل امور چگونه مربوط می‌شود، و چیزها و امور مختلف با یکدیگر چگونه مربوط هستند. این کلید اساسی تفاوت بین طرز فکر افراد مسئول با سایرین است.

بعضی از تمرین کنندگان فقط به این فکر می‌کنند که مهارت‌های تکنیکی‌شان بهترین می‌باشد، و وقتی ایده‌های‌شان مورد قبول واقع نمی‌شود راه خودشان را پیش می‌برند. در واقع، آنها همیشه سر مخالفت دارند. شما نباید امور را به آن صورت انجام دهید. شخص هماهنگ کننده قطعاً ایده‌های خود را دارد. شما مریدان دافا هستید، بنابراین، باید موضوع بهتر کار کردن با یکدیگر را مد نظر قرار دهید. حتی اگر ایده‌ی شما بکار گرفته نشود، هر چقدر هم که ایده خوب باشد، [شما باید فکر کنید]، "هر فکر که شما فکر می‌کنید خوب است من با آن همکاری می‌کنم و کمک می‌کنم کارها انجام شوند و آنها را به خوبی انجام می‌دهم. و بیشترین سعی را می‌کنم که کاری را که قرار است انجام دهم به‌خوبی انجام دهم، زیرا در حال تزکیه هستیم. این‌طور نیست که فقط وقتی تکنولوژی‌تان مورد قبول واقع شد شما در تزکیه پیشرفت خواهید کرد. به‌خوبی کار کردن با دیگران و همکاری با آنان و کار کردن با

همدیگر برای به‌خوبی انجام دادن کارهای پیش‌رو، /این آن طوری است که یک تزکیه کننده باید باشد، و /این اولین و مهم‌ترین است.

فکر می‌کنم این تمام آن چیزی است که امروز می‌گوییم. من تمام برگه‌های سؤال را مرور کردم. (تَشْوِیْقِ پَرشور) البته، می‌دانم که بعضی از برگه‌های سؤالات ممکن است توسط کارکنان کنفرانس حذف شده باشند. حقیقت دارد که به‌خاطر محدودیت زمانی نمی‌توانم به تمام سؤالات جواب دهم. بنابراین در هر کنفرانس فا، آنها سؤالاتی را که ممکن است قبلاً پرسیده شده باشند یا اینکه به‌طور کلی به کنفرانس فا ارتباط چندانی نداشته‌اند را حذف می‌کنند. در هر موردی، یک تزکیه کننده باید به امور همان‌طور که یک تزکیه کننده باید بنگرد نگاه کند و با ذهنیت یک تزکیه کننده، و مسلماً نمی‌تواند به امور با ذهنیت یک فرد عادی بنگرد. با هر چیزی که مواجه می‌شوید ساده، تصادفی، یا چیزی عادی نیست. باید به تزکیه‌ی شما و پیشرفت شما مربوط باشد. به‌خاطر اینکه شما یک تزکیه کننده هستید، مسیر زندگی‌تان تغییر داده شده است، و به شما یک راه تزکیه‌ی نو و جدید داده شده است، در راه‌تان هیچ چیز به‌طور تصادفی رخ نمی‌دهد. اما یقیناً تصادفی به‌نظر خواهد رسید، زیرا تنها در این توهم و در حالتی که مثل مردم عادی هستید می‌توانید نشان دهید که آیا درحال تزکیه کردن هستید، آیا خوب تزکیه می‌کنید، و آیا قادر به گذراندن آزمونی پس از آزمون هستید. /آن تزکیه است، و /آن روشن‌بینی راستین است!

درحال حاضر، میدان دافای دوره‌ی اصلاح- فا باید این‌گونه باشند. امور در آینده متفاوت خواهند بود. میدان دافای آینده به این شکل تزکیه نخواهند کرد. ملزومات برای میدان دافا در این دوره بالاست، و آنها مسئولیت‌های عظیمی دارند- مأموریت تاریخی‌شان بسیار باشکوه و عالی است (تَشْوِیْقِ) -- بنابراین اینکه آنها در این وضعیت توهم چگونه تزکیه می‌کنند بسیار مهم می‌شود. این دلیل آن است که چرا وقتی نمی‌توانید چیزی را حس کنید یا نمی‌توانید آنچه را که واقعاً در تزکیه‌تان درحال رخ دادن است ببینید، نمی‌توانید تنبل و کند شوید. باید مراقب این باشید. در وضعیتی که در آن تزکیه می‌کنید چیزهای بسیاری را غیرمستقیم خواهید فهمید و به درکی از

آنها می‌رسید. فکر می‌کنم که آن، به‌علاوه‌ی اصول فای دافا، باید کافی باشد تا افکار درست شما را مستحکم کند.

درخصوص اصول فایی که استاد آموزش داده است، بسیاری از حاضرین امروز، زمانی کتاب‌های بودیستی یا دائویستی را خوانده‌اند، بعضی‌ها زمانی بودیست‌های معمولی بودند، و سایرین حتی قبلاً در مکان‌های معینی تزکیه کردند. بنابراین می‌توانید نگاه کنید و ببینید— آیا هرگز کسی اصول فا را تا این حد توضیح داده است؟ آیا هرگز چیزی تا این اندازه قابل دسترس و روشن بوده است؟ این چیزی است که قبلاً هرگز به هیچ وجه رخ نداده است. اگر همین‌طوری رفته و چیزها را سرهم‌بندی کرده بودم، فکر نمی‌کنم این می‌توانست هرگز اتفاق بیفتد، چیزهایی که مشاهده کرده‌اید هرگز نمی‌توانست روی دهند، و روح پلید حزب پلید نمی‌توانست این قدر ترسیده باشد. از زاویه‌ی دانش انسان عادی، آنچه من، لی هنگ‌جی، آشکار کرده‌ام از دانش مردم نوین و محدوده‌ی دانش امروزه بسیار فراتر رفته است. حتی معماهایی را که بسیاری از حوزه‌های آموزشی را سردرگم می‌کند حل کرده‌ام. این‌ها چیزهایی نیستند که بتوانید در کتاب‌ها بیابید یا در جامعه یاد بگیرید. شما از طریق تزکیه‌تان فهمیده‌اید که این قانون بودا است، این قانون بزرگ کیهان است، و این فایی است که به‌راستی حقیقت کیهان را افشا کرده است. من می‌توانستم چیزهای بسیار زیادی که برای انسان حتی فریبنده‌تر می‌بود را فاش کنم، اما آن در مرحله‌ی بعدی انجام داده خواهد شد. اصل انسان، جزئیات خاص چیزها، تمامی رمز و رازهایی که در دوره‌های تاریخی متفاوت سر بر آورده‌اند، تمام انواع وقایع که در دنیا در دوره‌های مختلف رخ داده‌اند، شخصیت‌های مختلف تاریخی، و پدیده‌های غیرقابل توضیح خاصی که مردم به آن باور ندارند، شامل موجودات آسمانی و غیره و غیره، در اجتماع بشری آینده به‌صورت زنده نشان داده خواهند شد. در آن وقت، از شیوه‌ی متفاوتی برای هدایت و راهنمایی مریدان دافای آینده استفاده خواهیم کرد، و به روشی متفاوت، به آنها راهی را خواهیم داد که در آن تزکیه کنند. آن‌طور که امور اکنون هستند همان‌طوری است که امروز هستند.

مردان دافا، تمام راه تا آخرین قدم‌شان به سمت کمال، مورد آزمایش قرار خواهند گرفت که آیا می‌توانند موفق شوند. در تمام راه، تا وقتی که فقط یک قدم تا انتها فاصله دارید، آزمون‌های بسیار بسیار بحرانی برای شما خواهد بود. آن به این خاطر است که هر قدم، برای تزکیه‌تان و برای آزمون‌های‌تان بیشتر و بیشتر بحرانی می‌شود، مخصوصاً در انتها. شما می‌دانید، آن خدایان بی‌قانون عالم کهن سعی خواهند کرد تا لحظه‌ی آخر، تا وقتی که هنوز وجود دارند، کارها را با مهارت و ترفند انجام دهند. وقتی مطابق معمول نیستید، آنها قطعاً سعی خواهند کرد راهی پیدا کنند تا شما را پایین بکشند. آنها می‌دانند که لی هنگ‌جی شما را رها نخواهد کرد، پس انواع روش‌ها را بکار می‌برند تا باعث شود سقوط کنید. داشتن فطری یک فکر خارج از مسیر باعث خواهد شد شخص با تزلزل راه رود. بنابراین هر چه به پایان نزدیک‌تر می‌شود، آزمون‌ها جدی‌تر و بحرانی‌تر خواهند بود.

مردان دافایی که برای مدتی طولانی شکنجه و آزار شده‌اند اما استوار مانده‌اند و به اعتباربخشی به فادامه دادند بسیار سخت کار کرده‌اند، و برای‌شان دستیابی به آنچه کسب کردند آسان نبوده است. در هر حال آنها نباید سست شوند. به خودتان اجازه ندهید که محیطی را که باید در آن تزکیه کنید به خاطر مبهم بودن آنی، یا به دلیل کُند شدن در طول زمان، رها کنید. همین که فرصت تقدیری از دست رفت، آن پایان همه چیز خواهد شد. اهریمن پلید هر چیز ممکن را بکار برده است تا شما را پایین بکشد. بعضی از خدایان خواهان این نیستند که شما از طریق تزکیه بالا بروید. فکر نکنید، "آنها آنچه را که خوب است برای ما می‌خواهند و برای ما می‌خواهند که از طریق تزکیه بالا برویم." آن حقیقت ندارد! آنها هر آنچه را که امکان دارد امتحان می‌کنند تا شما را پایین بکشند و نگذارند که بالا بروید. لازم است این را فراموش نکنید، و در واقع این‌گونه است. خدایان در قلمروهای مختلف افکار خاص مربوط به قلمروهای متفاوت را دارند. در اصلاح- فا آنها نمی‌توانند نهایت حقیقت عالم را ببینند، و بعضی از آنها فکر نمی‌کنند که اصلاح- فا و مردان دافا شایستگی دارند. فقط آنهایی که حقیقت را می‌دانند جدی بودن این را می‌توانند ببینند و جرأت نمی‌کنند به‌طور لابلایی امور را انجام دهند. اگر این اصلاح- فای کل کیهان شکست می‌خورد،

عالم برای همیشه از هستی باز می‌ایستاد، همه چیز متلاشی می‌شد، اصل و ریشه‌های ماده تماماً تجزیه می‌شدند، و اگر شما می‌خواستید از یک بدن کیهانی که در آن چیزی نداشت چیزی را شکل دهید، طولانی بودن زمانی که این روند لازم می‌داشت وحشتناک می‌بود. و در ضمن، اگر فرصت درست یا شرایط به موقع نمی‌بود نمی‌توانست شکل داده شود.

مریدان دافا همگی می‌دانند که چیزهایی که من درباره‌ی آنها صحبت می‌کنم در حال بالاتر و بالاتر شدن و بزرگ‌تر و بزرگ‌تر شدن هستند، و چیزهای معینی که در اصلاح-فا در حال رخ دادن هستند بیشتر و بیشتر در معرض دید قرار می‌گیرند. برای شاگردان جدید یا شاگردانی که کوشا نبوده‌اند، ممکن است در خصوص درک چیزها، به احتمال زیاد یک گسستگی وجود داشته باشد، و به احتمال زیاد چیزها را درک نخواهید کرد. به هر حال نمی‌شود در این مورد کاری کرد. من مجبورم فا را در زمینه‌ی کلی موقعیت اصلاح-فا آموزش دهم، و این دلیل آن است که چرا درباره‌ی امور به این شیوه صحبت می‌کنم. امیدوارم هر کسی که این فا را کسب کرده است آن را عزیز بدارد و این فرصت را از دست ندهد. در گذشته، وقتی در ابتدا آموزش فا را شروع کردم، گفتم، "اگر من نتوانم شما را نجات دهم، هیچ‌کسی نمی‌تواند." حقیقت این است که، نه تنها کسی قادر به نجات شما نخواهد بود، بلکه هرگز دوباره فرصتی مثل این را نخواهید داشت. به این خاطر که، این دفعه، بشر به این نقطه که انتها است رسیده است. بعد از این که اصلاح-فا و اصلاح دنیای بشری توسط فا به انجام برسد، آن وقت انسان دوره‌ی بعدی، یک بشر جدید خواهد بود، و افرادی که قادرند به آن سو بروند تغییراتی خواهند کرد-- حتی ظاهرشان تغییر خواهد کرد.

خوب، این تمام چیزی است که خواهیم گفت. امیدوارم همه در پایان بهتر و بهتر عمل کنند. مطمئن باشید که سست نشوید. شما نباید سست شوید و نباید خون سرد و بی‌تفاوت شوید. موضوع دیگر چیزی است که قبلاً هم گفته‌ام درباره‌ی بخش لازمی است که مریدان دافا کمبود دارند، چیزی که به آن نرسیده‌اند، و آن عدم توانایی پذیرش انتقاد از یکدیگر است. شما نمی‌توانید نظریات سازنده و حتی نظرات منفی دیگران را نادیده بگیرید. نمی‌توانید به کنار زدن این چیزها ادامه دهید. از حالا به بعد

همه‌ی شما باید شروع به از بین بردن این وابستگی کنید. این چیزی نیست که از شما می‌خواهم قدم به قدم در آن ترقی کنید، همان‌طور که معمولاً وقتی فا را آموزش می‌دهم امور را انجام می‌دهم. برعکس، این یک مشکل بسیار اساسی، قطعی و بزرگی است که باید هم‌اکنون از بین برده شود. این تمام آن چیزی است که خواهم گفت، (تشویق پرشور و طولانی)

شاگردانی که عقب‌نشسته‌اند همه چیز را شنیده‌اند، درست؟ (تشویق) مهم نیست که شاگردانی که در انتها نشسته‌اند بسیار دور هستند، زیرا بدن‌های قانون بی‌شمار من پشت سر آنها هستند. (معلم می‌خندد) (مریدان به گرمی کف می‌زنند)